

زنگنه و مهر

فصلنامه



پزشکی و هنر *Medicine and Art*

فصلنامه الکترونیکی

seasonal electronic journal

فصل پاییز سال ۹۱

autumn- 2012

سردبیر: دکتر حسام الدین نوروزی Editor in chief: Dr.Hesameddin Noroozi

مدیر داخلی: فرانک بهزادی Internal manager: Faranak Behzadi

نشانی: شیراز، میدان نمازی، جنب هلال احمر، ساختمان مرکزی

دانشگاه علوم پزشکی شیراز، طبقه سوم، مدیریت تحول اداری

E-mail:hesam_noroozi@yahoo.com

نقل مطالب این نشریه تنها با اطلاع سردبیر و ذکر مأخذ مجاز است

سخن سردبیر

خودم، دکتر مسعود جوزی (وب سایت آ با کلاه)، دکتر حامد حاتمی (وب سایت سیب پزشکی)، دکتر علی اصغر هنرمند (وب سایت نارنجی) و دکتر علیرضا مجیدی (وب سایت پزشک)

روزهای چهارم و پنجم آبان ماه ۹۱ در بندر انزلی در خدمت دوستان عزیزانی از انجمن پزشکان عمومی گیلان بودیم. بیشترین نکته مثبت برای خودم آشنایی با فعال ترین پزشکان در عرصه فناوری اطلاعات بود.

در عکس زیر از سمت راست:



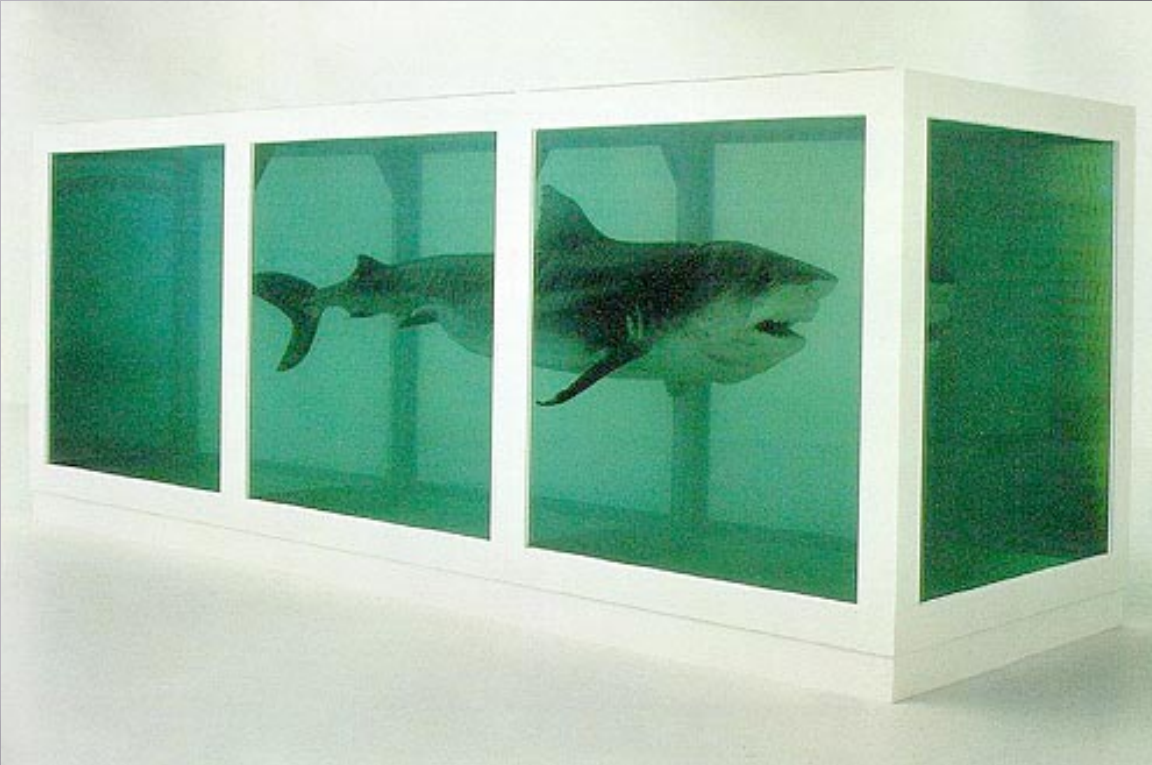
مجسمه های دیمین هرست: آناتومی ها

دکتر حسام الدین نوروزی



در تابستان امسال آخرین نمایشگاه بزرگ از آثار اخیر دیمین هرست هنرمند بزرگ بریتانیایی در گالری تیت مدرن لندن برگزار شد. این نمایشگاه که به بیانی بزرگترین نمایشگاه مروری بر آثار دیمین هرست بود شامل بخش بزرگی از کارهای او می گردید. به همین بهانه بخش اول مروری بر آثار وی را خواهید خواند.

دیمین هرست (Damien Hirst) در ۱۹۶۵ در بریستول متولد شد. در کالج های هنری جاکوب کرامر و گلداسمیت به تحصیل پرداخت. او در نمایشگاه ها و جشنواره های متعددی حضور داشته است. وی از جنجالی ترین و مشهورترین هنرمندان بریتانیایی است که نام و کار های معروفش را در تمام کتاب ها و رفرانس های هنر مدرن می توان دید. معروف ترین کار او "عدم امکان فیزیکی مرگ در باور یک زنده" نام دارد که کوسه ای را در مخزنی از فرمالدئید نشان می دهد. * هر چند برخی از آثار او با واکنش های متفاوتی روبرو شده است اما آثارش در زمره معروف ترین آثار هنر مدرن و هنرهای مفهومی طبقه بندی می گردد. او با بکارگیری زبانی استعاره ای موضوعات روانشناسانه ای را خلق می کند. او همچنین او در جایی گفته است که زندگی از چهار بخش تشکیل می شود: مذهب، هنر، علم و عشق و به نظر میرسد که سعی دارد تا این چهار وجه را در آثارش به نمایش بگذارد.



در نقد اثر "عدم امکان فیزیکی مرگ در باور یک زنده" که یک ببر کوسه ماهی را در فرمالدئید ۵٪ شناور کرده است نوشته اند که کوسه ماهی شناوری که به ظاهر در تعادل و آرامش مخزنی که برایش ساخته شده گرفتار آمده است. این تجسم بصری تمثیلی است از خدشه دار بودن هرگونه امید و اعتقاد به نظامی که مبنای آن تنازع بقا و تکاپویی ناعادلانه برای زنده ماندن است. دیمین هرست ناامید از استقرار نظم در حیات زندگان به سوی جاودانگی مرگ معطوف می شود؛ همیشگی ترین واقعیت همان قطعی بودن مرگ است.

در سری آثاری که با موضوع آناتومی می توان طبقه بندی کرد انسان موضوع غالب آثار اوست. مجسمه هایی از انسان که در اندازه های بزرگ ساخته شده است. در نمونه هایی از آن می توان شباهت های غیرقابل انکاری را بین این آثار و مولاژهای آموزشی آناتومیک دید که تنها وجه افتراق آنها اندازه های بزرگ آن آثار است. او پس از اجرای فیگور مورد نظر خود بخشی از بدن آنرا برش داده و سپس با تغییراتی به نمایش اعضای درونی آن می پردازد. در زیر یک مولاژ و سپس یکی از مجسمه های دیمین هرست را در اندازه واقعی آن می بینید. این از جمله موضوعاتی است که دلیل استفاده از این ایده را در چنین فضای تکراری مورد پرسش قرار می دهد.



در زیر یکی از مجسمه های آناتومیک او را با نام hymn می بینید که در نمایشگاه پیشگفت در فضای جلوی گالری تیت به نمایش درآمده بود. برای مقایسه اندازه این مجسمه با اندازه های واقعی یک تصویر دیگر آنرا در محل استودیو نیز نشان داده شده است.





از دیگر مجسمه‌هایی که با این ایده و به همین سبک ساخته شده‌اند می‌توان به مجسمه‌های "آناتومی یک فرشته" و "مادر باردار" اشاره کرد. این دو مجسمه نیز در روشی مشابه و شبیه به یکدیگر پس از طراحی و اجرای یک فیگور انسانی بخشی از اثر به صورت سمبولیک برش داده شده و نیمه بدن با آناتومی اعضای زیرین آن به نمایش درآمده است. در روبرو بخشی از مجسمه معروف او با نام "آناتومی یک فرشته" را می‌بینید. مجسمه روبرو از نظر اجرا بسیار شبیه مجسمه مادر باردار است اما از مواد و ماتریال دیگری استفاده شده است.

در زیررو برو نیز بخشی از مجسمه مادر باردار را می بینید که به روش اجرایی مشابه مجسمه بالا بخشی از مجسمه برش داده شده و اجزای آناتومیک زیرین آن به نمایش درآمده است. هرچند در این فرایند نیز تنها بخشی از اجزای آناتومیک با توجه به اهمیت آنها از نظر تاثیر بصری و نظر هنرمند به نمایش در آمده اند.

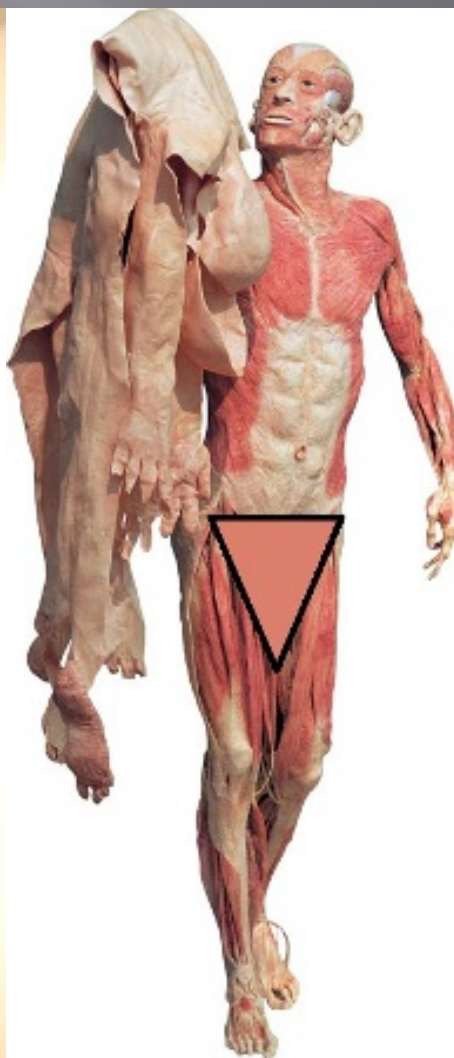
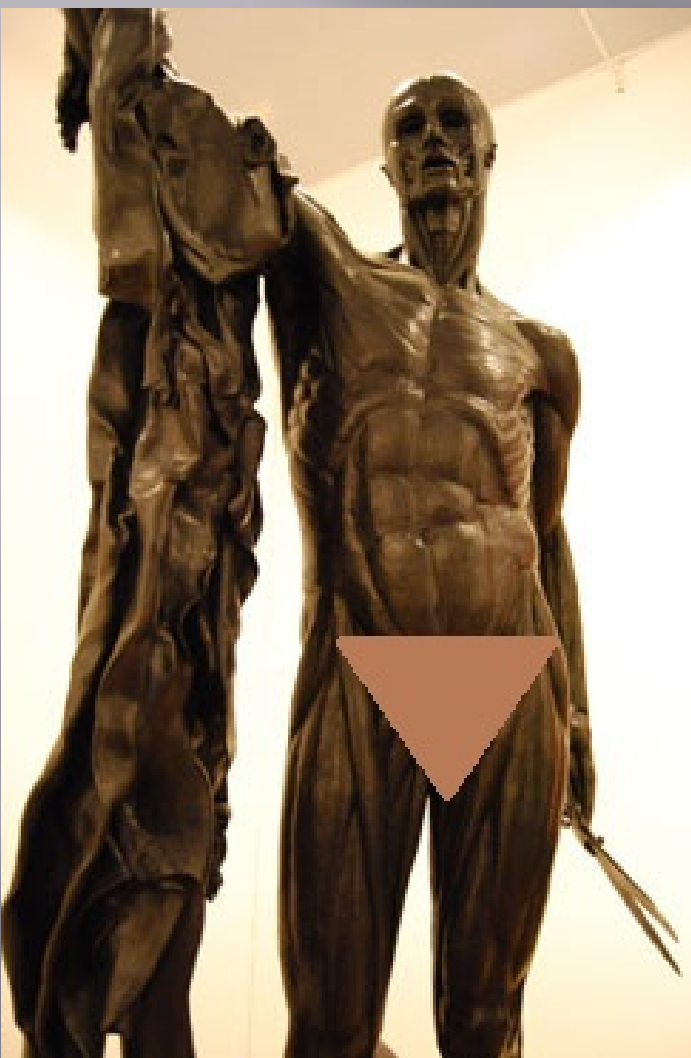




از دیگر مجسمه هایی که از نظر سبک و ایده اجرا در این زمینه قابل دسته بندی است مجسمه " رستاخیز " است که در سال ۸۲ در موزه هنرهای معاصر تهران نیز به نمایش درآمده است. این مجسمه تنها با استفاده از اسکلت بدن انسان و قرار دادن آن در دو صفحه پلکسی گلاس عمود بر هم بوجود آمده است و فیگور آن به نوعی شبیه حالت تصلیب می باشد. هرچند درباره ایده استفاده از اشیای پیش پا افتاده به عنوان مجسمه بر دیمین هرست ایراداتی وارد شده است اما او در این خصوص می گوید که برخی از اشیایی که ما هر روزه با آنها سروکار داریم دیگر اهمیت خود را برایمان از دست داده اند. قرار دادن آنها در یک محیط ناآشنا باعث خواهد شد که بار دیگر توجه ما را به خود جلب کنند و دوباره اهمیت خود را باز یابند. شاید به همین دلیل است که دیمین هرست عقیده دارد ایده مهمتر از ابژه (شکل ظاهری اثر و یا آن چیزی که ما به عنوان اثر هنری می نامیم) است.



کارهای آناتومیک دیمین هرست را شاید بتوان از برخی جهات به کارهای آناتومیک دکتر گونتر فون هاگن مقایسه نمود. هرچند تفاوت های ساختاری و ایده ای این دو از زمین تا آسمان است و کارهای فون هاگن را از بسیاری جهات غیراخلاقی می دانند و در ماتریال مورد استفاده تفاوت بسیاری با دیمین هرست دارد! اما نحوه کاربرد و ارائه جزئیات آناتومیک بمنظور جلب توجه مخاطب یکی از مشابهت های این دو است. دیمین هرست با الهام از فیگورهای انسانی و نشان دادن اعضای آناتومیک در آن بیننده و مخاطب خود را به تفکر درباره روند فیزیولوژیک و آناتومیکی که در بدن می گذرد وامی دارد و انتظار دارد که بتوان با دیدن اثر هنری بار دیگر متوجه فرایندهایی که هر روزه در بدن ما اتفاق می افتند اما آنها را فراموش کرده ایم بشویم. در برابر دکتر فون هاگن تنها به استفاده از اعضای آناتومیک به عنوان مدیایی برای ترکیب بندی و کادربندی موضوعات می پردازد. در تصویر زیر دکتر فون هاگن را در کنار یکی از مجسمه - جسد هایش می بینید...



اما در موردی تشابه فراوانی بین ایده های این دو نفر وجود دارد. این مشابهت در ایده تا بدانجا پیش میرود که می توان دو مجسمه از هر دو را با هم مقایسه نمود: ایده هر دو یکسان اما دیمین هرست در اجرای کار به ساختن مجسمه از نقره قناعت می کند و دکتر فون هاگن با تکیه بر دانش تکنیکی خود از ماتریال دیگری استفاده می کند!

پی نوشت:

the physical impossibility of death*
in the mind of a someone living

**در انتقادی به چنین آثار هنری با نام مجسمه، چارلز تامپسون در سال ۲۰۰۳ در یک گالری، کوسه ای را با نام یک کوسه^۱ مرده هنر نیست به نمایش گذاشت که دو سال پیش از کوسه^۲ دیمین هرست در مغازه لوازم الکتریکی ادی ساندرس به نمایش عموم گذاشته شده بود و این پرسش را مطرح کرد که اگر کوسه^۳ دیمین هرست هنر بزرگی محسوب می شود، چطور کوسه^۴ ادی که دو سال پیش از آن به نمایش گذاشته شده بود هنر نیست؟ آیا ما اینجا یک هنرمند نابغه کشف نشده داریم که برای اولین بار این کار را کرده است، یا این که یک کوسه^۵ مرده اصلا هنر نیست؟



پزشکان هنرمند: دکتر بهنام کامرانی (بازگشت از نیمه راه طبابت)

دکتر بهنام کامرانی در سال ۱۳۴۷ در شهر شیراز متولد شد. وی در ابتدا وارد دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز شد اما به دلیل علاقه فراوان به نقاشی، از رشته پزشکی انصراف داد و شروع به تحصیل در رشته نقاشی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نمود. او سپس فوق لیسانس نقاشی را از دانشگاه هنر دریافت و دکترای خود را در رشته پژوهش در هنر با پایان نامه ای درباره نقاشی های مینیاتور در کتاب های طب سنتی به پایان رساند. او در حال حاضر عضو پیوسته انجمن نقاشان، عضو هیات علمی دانشگاه هنر و عضو شورای نویسندگان فصلنامه هنر فردا است. او بیش از ۱۱ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۷۰ نمایشگاه گروهی در ایران، فرانسه، ایتالیا، آلمان، اسپانیا، ژاپن، چین، ارمنستان، ترکیه، سوریه، اردن، آمریکا، سوئیس، آلمان، یونان برگزار نموده است. او نویسنده کتاب کارگاه نقاشی، کتابهای درسی آموزش و پرورش و مقالات و نقد های متعدد در کتاب ها و بروشورها و نشریات هنر فردا، فصلنامه هنر، حرفه هنرمند، بخارا، تندیس، مجسمه، طاووس است. او در حال حاضر در تهران زندگی و به کار و تحقیق و تدریس مشغول است. او برنده جایزه برتر از بینال اولین بین المللی طراحی-موزه ی هنرهای معاصر تهران و دیپلم افتخار از ترینال پاریس-فرانسه است.







پزشکی و کاریکاتور سیاست های بهداشتی باراک اوباما

داریل کیگل* یکی از معروفترین ادیتوریال کارتونستهای دنیا بیست یکم ژوئن ۱۹۵۶ در کالیفرنیا آمریکا به دنیا آمد. او پس از تحصیل در کالج سانتا باربارا به نیویورک رفت و به کار تصویرسازی و کارتون پرداخت. در سال ۲۰۰۱ سندیکای جدیدی برای کارتونست ها تاسیس کرد. او رئیس پیشین انجمن ملی کارتونست های آمریکا بوده است.

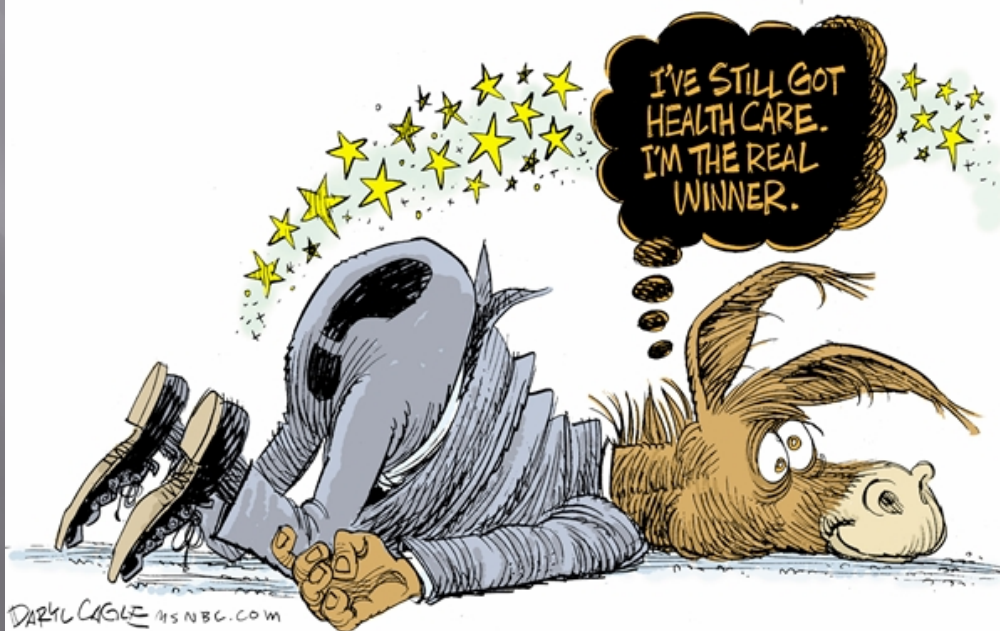
کارتون زیر که با موضوع ملی کردن سلامت در کشور آمریکا به تصویر درآمده است توان بالای او را در طراحی و تصویرسازی نشان می دهد. وی ابتدا کارهایش را با مداد طراحی کرده و سپس دورگیری و رنگ می کند. بیشترین ابزار مورد استفاده او در دسن گیری مرکب و قلم آهنی است. در این کارتون نقد او را بر سیاست ملی کردن سلامت بدون توجه به بخش خصوصی و هزینه های فراوان آن نشان می دهد. در این کارتون برنامه سلامت را در قالب برنامه ای با ظاهری خوشمزه و خواستنی به تصویر کشیده است که پس از خوردن آن و تاثیر عوامل مختلفی که در نظر گرفته نشده است می تواند به یک خروجی متعفن با هزینه های سرسام آور مبدل شود. نیاز به مطالعه دقیق تر در اجرای برنامه هایی که در سطح کلان می تواند نظام سلامت را شدیداً تحت تاثیر قرار دهد و ضمناً در نظر داشتن عوامل موثر بر نظام سلامت و فاکتورهای مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و قناعت نکردن به ظاهر آن از پیام های این کارتون است. شخصیت الاغ در اینجا نماد حزب دموکرات است که حامی اجرای این برنامه بودند.





د نیست چهارتادیگه از کاریکاتورهای کیگل را هم با هم ببینیم . هرچند چهار کارتون زیر به زیبایی و عمق کاریکاتور پیشین نیستند ولی بجاش کمی مفرح ترند. در هر چهار کاریکاتور زیر بازی بصری با نماد کادوسه* و تصویر فیل که نماد حزب جمهوری خواه و رقیب حزب حاکم است پیام کاریکاتور رسانده و طنز ماجرا نشان داده شده است. در اولین کارتون اواما با دوتا مار نماد کادوسه سربسر فیل میگذاره و اونها را برای نیش زدن فیل به طرف اون دراز کرده. در دومین کاریکاتور هم فیل اسیر دست هر دو مار کادوسه شده و با اونا به عصای شفا بخش طناب پیچ (و شاید هم مارپیچ!) شده. در سومین کاریکاتور هم اواما می خواد به زور برنامه سلامت را به حزب رقیب بخوراند. در آخرین کاریکاتور هم نماد الاغ را می بینیم که با وجودی که علامت مخصوص " دک شدن" را در پشت خود دارد اما هنوز فکر می کند که پیروز میدان است. کاریکاتوری بسیار عالی از توهم زدگی!





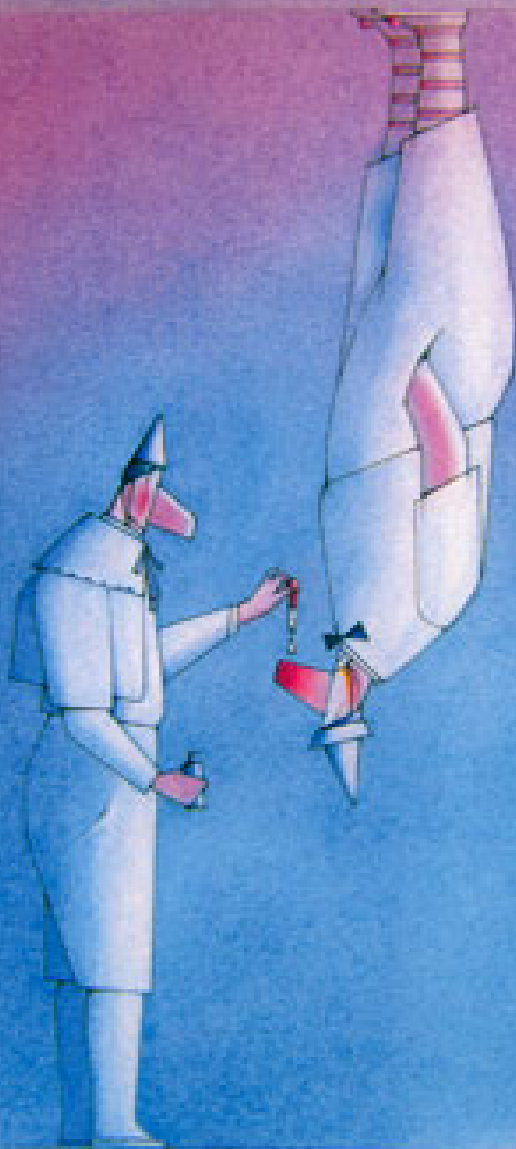
کاریکاتورهای پزشکی

کامبیز درم‌بخش طراح، کاریکاتوریست و گرافیکست ایرانی است.

درم‌بخش که کارهایش از پیچیدگی به سادگی معناداری گراییده و در این راه به سبک و شیوه‌ای خاص دست یافته، متولد ۱۳۲۱ شیراز است. او از پیشکسوتان هنر کاریکاتور در ایران به‌شمار می‌رود و در کار خود صاحب سبک است.

درم‌بخش از ۱۵ سالگی همکاری خود را با نشریات ایرانی از جمله توفیق شروع کرد و با دیگر مطبوعات ایرانی و خارجی همچون نیویورک تایمز، اشپگل، نیل اشپالتر و... کارش را ادامه داد. در مجموع بیش از ۴۷ سال با مطبوعات صاحب نام ایران و جهان همکاری مستمر داشته و مدتی نیز در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، هنر کاریکاتور را تدریس کرده‌است.

او برنده جایزه اول از بزرگ‌ترین و معتبرترین مسابقات بین‌المللی کاریکاتور ژاپن، آلمان، ایتالیا، سوئیس، بلژیک، ترکیه، برزیل، یوگسلاوی و چندین جایزه بین‌المللی جنبی دیگر بوده و داور مدعو چند نمایشگاه بزرگ بین‌المللی کاریکاتور بوده است.



کاریکاتور های پزشکی

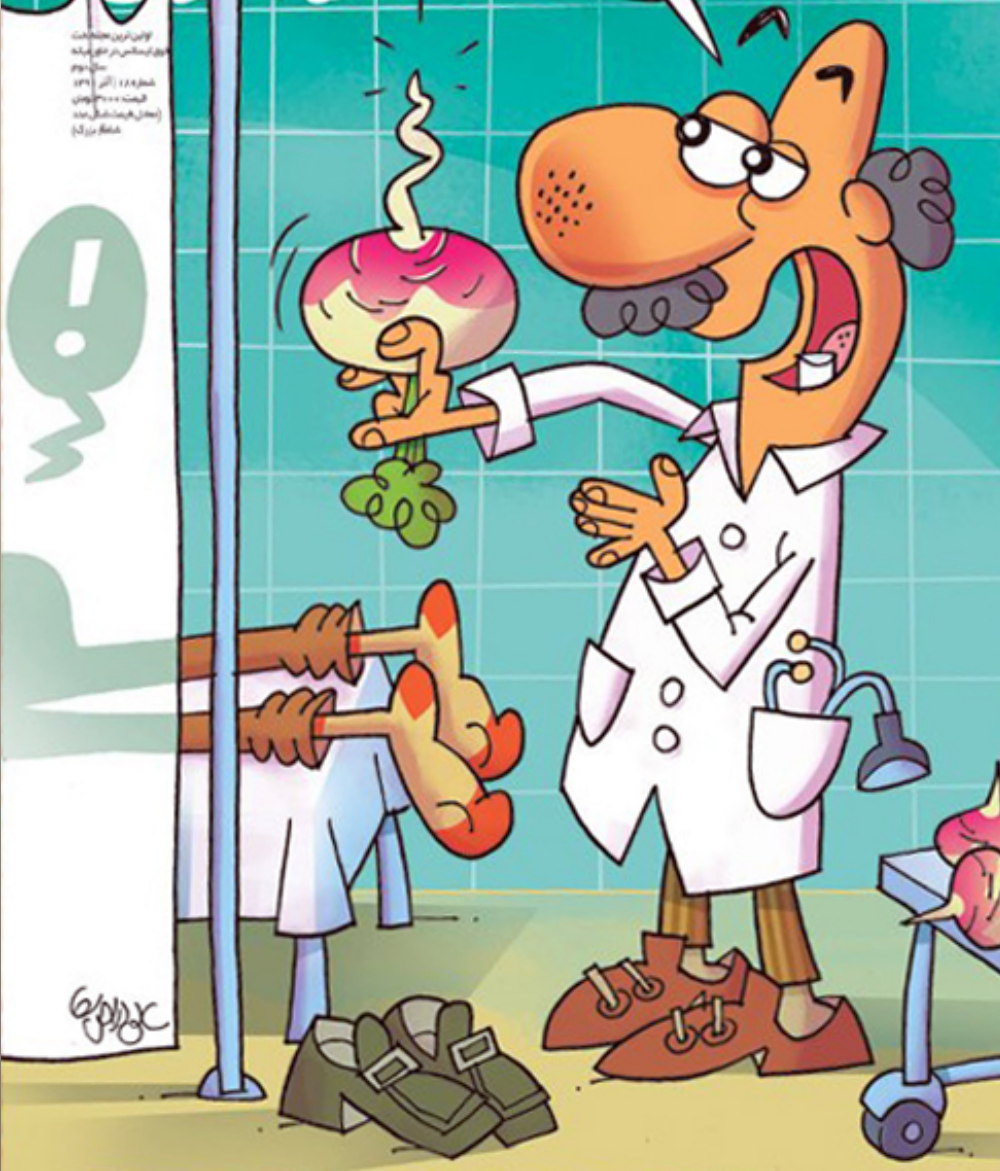


ژواکین سالوادور لاوادر ملقب به " کینو" از بزرگترین و تاثیرگذارترین کارتونیست های دنیا است. وی در ۱۷ اگوست ۱۹۳۲ در آرژانتین به دنیا آمد. کمیک استریپ هایش از مشهورترین کارهای او هستند. بالشخصه خیلی دلم می خواست بدونم که کارهاشو با چه وسیله ای ترسیم می کنه که جایی توضیح داده بود که با قلم آهنی و خودنویس کار می کنه. در کارهای کینو پس از عبور از لایه اولیه طنز دیداری و چشیدن طعم یک طنز ناب به لایه ی زیرین شگفتی آفرینی میرسیم که ما را با زاویه دید تازه او از ماجرا شگفت زده می کند. در قاب آخر -در اغلب موارد - با نکته کلیدی ماجرای روبرو می شویم که ممکن است هزاران بار در زندگی با آن برخورد داشته ایم ولی به سادگی از کنارش گذشته ایم. در کارهای کینو قاب آخر معمولاً کلید باز کردن در خنده و شگفتی به روی ماست.



۱۴
پنی سیلین نیست
عوضش هنوز
شلغم هست!

در حاشیه
کمبود دارو در کشور



کاریکاتورهای پزشکی

روی جلد شماره هجدهم مجله خط خطی به موضوعی با تم پزشکی اختصاص دارد. در این تصویر در حاشیه کمبود دارو و با توجه به باور عام مبنی بر پنی سیلین داشتن شلغم ترسیم شده است. کارتون‌نویست این طرح علی درخشی است.

یادگار روزگار

نگاهی به کتاب یادگار روزگار نوشته دکتر اکبر رجایی

"دستنوشته برآمده از هوشمندی، هشیواری و صد البته پشتکار و گران اندیشی تو پزشک راه جسته و بر ستیغ نشسته امروز و دانش آموز بی قرار و آرام و شاداب دیروز را در زمین کوچک آجر فرش دبیرستان احمدی شیراز با سکانداری معلم به معنی درست آن، غلامرضا برهانی (زنده نام)، شاگردت یا این خرد همچنان خاکی و خاکبوس را راهی کوچه های یاد و خاطره کرد و حسی غرورانگیز را در او برافروخت که گمانم بر این است تا به گاه سرافرازی ملک جان ستان، در جانم شعله ور خواهد بود." (همین کتاب، نگاشته استاد صدرا ذوالریاستین شیرازی بر این کتاب)

کتاب یادگار روزگار نوشته دکتر اکبر رجایی فوق تخصص روماتولوژی، استاد بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی شیراز است. دکتر رجایی سالها در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به تدریس و تحقیق مشغول بودند و اخلاق حرفه ای را در پزشکی فارغ از تمام مسایل در عمل به دانشجویان آموزش می دادند. استاد دکتر رجایی در حال حاضر در شیراز به طبابت اشتغال دارند.

یادگار روزگار

دکتر اکبر رجایی
رئیس دانشکده علوم پزشکی شیراز



روز پنجشنبه گذشته از این کتاب در هتل پارس شیراز رونمایی شد. در این جلسه که با حضور جمع زیادی از متخصصین طب داخلی برگزار شد علاوه بر استاد دکتر رجایی اساتید شعر و ادب شیراز نیز در این باره سخن گفتند. در این جمع آقایان پرویز خائفی، استاد صدرا ذوالریاستین شیرازی، ناصر امامی و آقای بلادی حضور داشتند و درباره این کتاب و جلد اول آن و شخصیت دکتر اکبر رجایی زبان به تحسین گشودند. استاد ذوالریاستین همچنین از دکتر رجایی به عنوان نمونه ای مثال زدنی از پزشکانی که پا را از حیطه علم پزشکی فراتر نهاده و به وادی هنر آمده اند نام بردند و در این مسیر از دیگر پزشکان هنرمند مانند دکتر کاووس رئیس جلالی و دکتر محمد حسین عزیزی نام بردند. خود دکتر رجایی که طبعی رحیم و روحی لطیف و اخلاقی آراسته دارند درباره این کتاب می گوید که "همیشه فکر می کردم که باید خوبی های [مردم محله مان] در قالب کتابی روایت شود و خود را متعهد می دانستم که این کتاب را به چاپ برسانم تا از چگونگی زندگی آنها، از خوبی های آنها و از سختی هایی که بر آنها گذشت برای دیگران هم سخنی گفته باشم."



در تصویر روبرو:
از راست: دکتر کشمیری، آقایان
بلادی، صدرا ذوالریاستین، خائفی
و امامی

آنچه در این کتاب می خوانید شرحی از زندگی دکتر اکبر رجایی به قلم خودشان است که از دوره های مختلف زندگی شان روایت شده است. بخشی از خاطرات دکتر رجایی بیشتر در کتاب "خاطراتی چند از دوران نوجوانی" به قلم خودشان آورده شده اما این کتاب بیش از پرداختن به خاطرات استاد از افراد و حوادث زندگی ایشان ، بر شرح زندگی خودشان تمرکز یافته است. کتاب یادگار روزگار پس از پیشگفتار و مقدمه استاد صدرا ذوالریاستین ، دارای چهار بخش و یک نمایه است. در بخش اول شرح زندگی استاد در گذر زمان به رشته تحریر درآمده است و دوره ای طولانی از کودکی تا استادی دانشگاه ایشان را دربر می گیرد. در بخش دوم اسناد قابل توجهی از دوران کاری و علمی دکتر رجایی که در بخش اول صحبتشان به میان آمده، آورده شده است. در بخش سوم بیش از پنجاه عکس که یادگار روزگار است کتاب را مزین نموده است. در بخش چهارم نیز مجموعه ای از یادداشت های تحسین آمیز تعدادی از اساتید اهل قلم بر و دوستان، توصیه می کنم .



تصویر روبرو:
اینجانب در کنار استاد رجایی



“یادگار روزگار من” شعری از دکتر کاووس رئیس جلالی تقدیم به دکتر اکبر رجائی

یادگار روزگار من
تکه پاره های خاطرات
جداجدا
درگریز دائمی
ز سرزمین یاد
درحریم ذهن منفعل
جا به جا
حکایت ابروباد.
این روزهای ملتهب
یادواره ای سمج
می کشد سرک مدام
از گذشته های دور
چون صید کی عجول و بیقرار
خسته از گریز
در جستجوی دام و تور
به شکل یادگار روزگار.
پنج شنبه صلوه ظهر
بی خبر
آغاز یک سفر
شروع :
بازارچه ای عزیز و باوقار
شادویی حصار
بوی گوشت وادویه
بوی سیب و گوجه و خیار
بوی سنگک و کباب
ریحان و تربیاز
سماق و سیر
بیدمشک و نسترن
نان قندی و گلاب
سرکه و
ترشی موسیر.
در سایه سار مهربان یک درخت پیر
جشنواره ای از ترانه و صدا
از طرقة و قناری و هزار...
این پرندگان خوش نشین
در قفس های آینه دار.
گذشتن از کوچه ی ابراهیم - زاده ی امام

با فراغ بال و تخته گاز
رسیدن به شاهچراغ
شنیدن اذان
وضو و خواندن نماز
فقط ده دقیقه ی امام.
ادامه ی سفر
مسجد بزرگ نو
کوچه های هفت پیچ
صبورتنگ
طاق های مضطرب
شمعدانی های منتظر کنار پنجره
نسترن های شادوشنگ
هوای گرم
میروم بی تا مل و درنگ.
می رسم به انتهای راه
چهارراه زند
کندوی عاشقان فیلم و ساندویچ
جیب بری گاه به گاه
از بلندگو های پیر
خش خش ترانه ها.
بوی ژامبون و سوسیس
بوی مرغ و تودلی
بوی کتلت بوی خوب لوبیا
بوی کوفته قلفلی
بوی تخمه ژابونی
بامیه بی زولبیا
آب زرشک آب پرتقال
بوی چربی بوی نای
بوی تند و تیز از جرز دیوار
.....بی خیال.
دوان دوان بدو بدو
عقب عقب جلو جلو
صف سینما
پنج شنبه ظهر - ساعت دو - رئیس جلالی آبان ۹۱

کوچه دهنادی



کوچه دهنادی را یادتان هست؟ مرکز خرید و فروش کتاب های دست دوم : اعم از درسی و غیر درسی . در سال های دبیرستان و پیش از آن یکی از جاهایی که هر از گاهی برای پیدا کردن کتاب های دست دوم و یا کتاب هایی که در بازار نبود سر میزدیم کوچه دهنادی بود. هنوز این کوچه محل خرید و فروش کتاب های دست دوم است. در آن زمان یکی از کتابفروشی های این کوچه که در آن زمان بزرگترینشان هم بود صاحبی داشت عبوس و بداخلاق که در میان تلی از کتاب های کهنه و خاک گرفته نشسته بود و به کسی اجازه ورود به مغازه را نمی داد . در میان اینهمه گرد و خاک و وضعیت درهم و برهم کتاب های کهنه اگر کتابی را از او می خواستی در عرض یک دقیقه کتاب را از بین تمامی آن شلوغی به دست می داد. این مرد عبوس هر از گاهی هم با همسرش در مغازه به رتق و فتق امور می پرداختند. این روزها دیگر این مغازه تعطیل است و خبری از آنهمه برو بیا نیست. اما این پست برای یادآوری و ذکر اینکه در زمان های نه چندان دوری این دکان را " آقای رعنا حسینی پزشکیار " می گردانده است نوشته شد(پزشکیارانی که دیگر نام و تعدادشان رو به فراموشی و زوال است).خدایش بیامرزد.



ایران گردی آبشار دم اسب (قلات - شیراز)

این بخش جدید به فصلنامه اضافه گردیده است.
چشمه دم اسب در منطقه قلات قرار دارد اما پیش از
رسیدن به روستای قلات مسیر آن تغییر می کند. دیدن
این آبشار و دیگر مناطق دور و بر آن بسیار فرح بخش
و زیبا بود.

(نگارنده در کنار بخشی از آبشار)



<http://hesamdiaries.blogfa.com>

یک هنرمند - یک اثر
رابرت و شانا پارک هاریسون



پرسش بجای پاسخ: این فرد چه کسی ست؟ نماد چه کسی - یا چه کسانی - است؟ اتاقی که در آن نشسته کجاست؟ نور اتاق از کجا تامین میشود؟ چرا منبع نور اینقدر کوچک است؟ نشانه ی چه چیزی است؟ این فرد در کجا نشسته است؟ مرتب نیست؟ چرا؟ آیا شاد است یا نه؟ با چه کسانی ارتباط دارد؟ این همه پروانه اینجا چه می کنند؟ پروانه ها چه فرقی با این فرد دارند؟ چرا فقط پروانه ها رنگی هستند؟ این پروانه ها و فرد چه ارتباطی با هم دارند؟

یک هنرمند - یک اثر

نام هنرمند: حسین خسروجردی نام اثر: اطلس

پرسش بجای پاسخ: اطلس؟ اطلس چیست /
کیست؟ چرا اطلس؟ وجه تسمیه این تابلو با
اطلس؟ فرق اینها با اطلس؟

